



## هاشمی رفسنجانی: سخنگوی ارتجاع و استبداد

یکدیگر جدا نباشند. نیروهای انقلابی که می دانند اگر از هم جدا شوند بیگانگان آنها را می خورند. امروز یکی را، فردا دیگری را... بپذیریم اگر می خواستیم با شعارهای مارکسیستی ملی گرایی یا این قبیل مردم را به خیابان بیاوریم، نمی شد. حالا هم همینطور است. من نمی گویم که شعارهای ملی گراها فاقد جاذبه است اما در تاریخ ثابت شده است که آن جاذبه ای که مردم برایش جان دهند، فداکاری کنند و مشکلات را تحمل کنند، ندارد... حتی اگر فرض کنیم آن جریانها حرکت وسیعی را در ایران بکنند، اگر مذهب، علما و روحانیت با آنها هماهنگی نشان ندهند، پیروز نخواهند شد.» و سپس در نتیجه گیری همین بحث و فراخوان به «اتحاد» افزود: «مخلصانه دست از غوغا سالاری ها برداریم، مخلصانه دست از طرد کردن و حذف کردن همدیگر دست برداریم، مبارزات را منطقی، معتدل و استدلالی کنیم و فریبکاری نکنیم» (به نقل از روزنامه مشارکت، شنبه ۲ بهمن ۱۳۷۸).

خشم و عصبانیت هاشمی رفسنجانی و رجز خوانی های او در نماز جمعه تهران بیش از هر امری نشانگر موضع شدیداً تضعیف شده او در جامعه و حتی در بین نیروهای مذهبی است. رفسنجانی در هفته های اخیر از اوج تبلیغات چند ساله گذشته به عنوان «سردار سازندگی»، «سرمايه انقلاب» و ... به حضيض يك سياست باز فريب كار و شارلاتان كه عمده ترين برنامه اش حفظ ارتجاع و رژيم استبدادی كنونی و تأمين منافع سياسی شخصی و خانواده گي اش است تنزل یافته و بیش از پیش رسوا شده است.

هاشمی رفسنجانی که این روزها به یکی از فعالان مهم نیروهای جناح «ذوب در ولایت» تبدیل شده است، در نماز جمعه این هفته تهران، نیروهای دگراندیش را به توطئه بر ضد «انقلاب و نظام» متهم کرد و گفت: «این حرکت غلط سیاسی است که برای اینکه چند رأی بگیرند، خدمات گذشته انقلاب را زیر سؤال می برند و جنگ را به عنوان نقطه ضعف انقلاب مطرح می کنند... دشمنان اسلام با حمایت آمریکا، اسرائیل، انگلیس و بوق های تبلیغاتی تلاش دارند، مسئله جدایی دین از سیاست را مطرح کنند... یک وقتی چند نفر آدم منزوی و شکست خورده این مسئله را مطرح می کردند ولی امروز کسانی که زبان دارند، تریبون دارند و قلم دارند و روزنامه دارند علیه انقلاب توطئه می کنند... چقدر باید سخیف باشند که نان انقلاب را بخورند و ارزش ها را زیر سؤال ببرند. اگر ما در کشورمان در روزنامه چند هزار نسخه ای می گویم انگلیس و آمریکا در رادیو به اکثر زبان های دنیا می گویند در حالی که درباره جنازه های بیش از ۴۵۰ شهید که روی دست مردم قرار دارد کلمه ای نمی نویسند. همه معترف افتخارات دوران سازندگی هستند ولی این افتخارات مال من نیست بلکه از آن همه ملت و همه متخصصان و دست اندرکاران است. استکبار و آنها که از این کشور رانده شدند امیدشان، طراحی شان و تحلیلشان این بود که ملاها نمی توانند بسازند...» رفسنجانی در ادامه همین سخنان ضمن حمله به «مارکسیست ها و ملی گراها» درباره خطر تفرقه در بین نیروهای پایبند به «نظام» هشدار داد و افزود: «من فکر می کنم بهترین راه درست این است که همه مان همکاری کنیم تا لاقبل نیروهای انقلاب از



### لیست گروه های «خط امام» برای انتخابات

بر اساس گزارش روزنامه صبح امروز، دوشنبه ۴ بهمن ماه ۱۳۷۸، چهار تن از اعضای ائتلاف نیروهای «خط امام» در یک نشست مطبوعاتی مواضع این ائتلاف را درباره انتخابات مجلس ششم اعلام کردند. در این مصاحبه مطبوعاتی، محمد سلامتی، دبیر کل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، درباره لیست مشترک این ائتلاف از جمله گفت: «لیست مقدماتی ائتلاف گروه های خط امام یک لیست ۲۰ نفره است که امیدواریم این لیست را تا مرز ۳۰ نفر [در تهران] افزایش دهیم.» به گفته سلامتی «گروه های خط امام که سال هاست در ائتلاف قرار دارند بنا دارند که در ائتلاف گروه های ۱۸ گانه جبهه دوم خرداد شرکت کنند.»

سلامتی سپس با اشاره به رد صلاحیت های وسیع توسط هیئت مرکزی نظارت گفت: «هر چند که رد صلاحیت کاندیداها در تهران نسبت به ادوار گذشته رفیق تر بوده است اما متأسفانه در شهرستان ها در حدود ۸۰ نفر از چهره های جبهه دوم خرداد رد صلاحیت شده اند.» سلامتی در بخش دیگری از سخنان خود ضمن انتقاد از مجلس پنجم اضافه کرد: «مجلس پنجم بر عکس سیاست های دولت خاتمی حرکت کرده است و این روند نباید در مجلس ششم ادامه پیدا کند.»

### بخش «اعترافات» متهمان قتل های زنجیره ای در مجلس

به گزارش روزنامه همشهری، دوشنبه ۴ بهمن ماه ۱۳۷۸، هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی، با همکاری سازمان قضایی نیروهای مسلح اقدام به پخش فیلم «اعترافات» متهمان قتل های زنجیره ای کرد. بر اساس همین گزارش این فیلم به مدت ۵۰ دقیقه و شامل اعترافات مصطفی کاظمی، خسرو براتی، خسرو عالیخانی و همسر سعید امامی است. به گزارش روزنامه همشهری: «یکی از نمایندگان جناح راست پیش از تماشای فیلم آن را بی خاصیت و سانسور شده دانست.» لازم به تذکر است که به گزارش رسانه های گروهی نیازی، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح، در هشتمین گردهمایی مدیران ارشد وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح اعلام کرد که بزودی اطلاعات تازه ای درباره قتل های زنجیره ای منتشر خواهد کرد. به گفته نیازی متهمان دیگری در رابطه با پرونده های قتل های زنجیره ای وجود دارند که هنوز دستگیر نشده اند.

### یورش مثلث چماق داری

در روزهای اخیر سران جناح «ذوب در ولایت» و ارتجاع یورش همه جانبه تازه ای را بر ضد نیروهای دگراندیش آغاز کردند و با

### ادامه نخستین شماره دوره نوبین ...

روی خود دارد آمده است: «پس از سال ها سرکوب شدن و موفقیت نسبی در آرام کردن جو، میهن ما در سال های اخیر بار دیگر شاهد شور و شوق مبارزاتی و حرکت های اجتماعی در دفاع از حقوق و آزادی های دموکراتیک است. دوم خرداد ۱۳۷۶ را باید نقطه عطفی در اوج گیری مبارزه بر ضد رژیم استبدادی حاکم بر ایران ارزیابی کرد... «دنیا» در چنین اوضاعی به استقبال وظیفه بی دشوار و تاریخی می رود. بحث و روشن کردن عرصه های گوناگون و مهم حوادث و مبارزه کنونی، از جمله وظایف مهمی است که تحریریه «دنیا» در راه تحقق آن خواهد کوشید... «دنیا» همچون شش دوره گذشته، وفادار به سنن خجسته و ارزشمند بنیان گذار خود، دکتر تقی ارانی، در خدمت دانش، هنر و ادبیات مردمی و بالنده است، و امیدوار است که با اوج گیری جنبش حق طلبانه توده های ستم دیده میهن ما، به استقبال پیروزی خلق بر ضد رژیم ضد مردمی و ضد ملی «ولایت فقیه» برود، و بتواند بار دیگر کار انتشار و روشنگری خود را در ایران رها از زنجیرهای ترور و اختناق، پی گیرد.»

در نخستین شماره «دنیا» از جمله مقالاتی پیرامون: مارکسیسم و دوران ما، بحثی پیرامون مسایل مبهم جنبش کارگری ایران، بحران صنعت نفت، مقاله افشاگرانه بی پیرامون فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی، مقاله ای درباره تئاتر برشت، از استاد رکن الدین خسروی، داستانی از ناصر مؤذن و اشعاری از ایرج، و زنده یادان طبری، حکمت جو، و زهری به چشم می خورد. هیأت تحریریه «نامه مردم» انتشار مجدد «دنیا» را، که بی شک وظیفه بی بس مهم و حساس را پیش رو دارد، به تک تک اعضا و هواداران حزب شادباش می گوید.

طرح سناریو مشکوکی پیرامون دست داشتن عوامل بیگانه در تحولات اخیر کشور نگرانی های جدی را در محافل اجتماعی سیاسی میهن پیرامون توطئه جدید ارتجاع برانگیختند. به گزارش روزنامه صبح امروز، دوشنبه ۴ بهمن ماه، بلافاصله یک روز بعد از اظهارات فرمانده کل سپاه پاسداران، رحیم صفوی، پیرامون احتمال نفوذ جاسوسان و عوامل انگلیس و آمریکا و اسرائیل در سطوح سیاست گذاری کشور، حبیب الله عسگر اولادی، دبیرکل جمعیت مولفه اسلامی نیز در حمایت از سخنان صفوی گفت: «خط تخریب در انتخابات توسط عوامل آمریکا و انگلیس مدیریت می شود.» به گفته عسگر اولادی «کدگذاری بعضی از پیام های خط تخریب در لابلای برخی مقالات در هفته های گذشته دیده می شود. آنچه که در دو هفته پیش تحت عنوان پروژه رویت ناظر بودیم در راستای خط تخریب بود. دشمن می خواهد با جنگ روانی نیروهای کارآمد را به سکوت و انزوا بکشاند و بعد به تبلیغ عناصر مرعوب و ضعیف بپردازد و سرانجام حساب هر دو را با خشونت ۲۸ مردادی بدهد و مزدوران خود را مسلط سازد.» طرح این نظریه از سوی عسگر اولادی، صفوی و رفسنجانی، در نماز جمعه این هفته تهران، حکایت از حرکت از پیش تدارک دیده شده تازه ارتجاع حاکم بر ضد جنبش مردمی می کند که باید با هوشیاری با آن به مقابله برخاست.

## فرخنده باد سالگرد جنبش ۲ بهمن

امروز، با تغییر سیمای جهان و تغییر توازن جهانی به سود ارتجاع و امپریالیسم، پس از فروپاشی اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی در شرق اروپا، امپریالیسم رویای آقایی بر جهان و تحمیل نظم نوین جهانی را در سر می پروراند. دگرگونی در توازن نیروها، در سطح بین المللی، به هیچ رو به معنای تغییر ماهیت امپریالیسم و ارتجاع نیست. از این رو تشخیص صحیح دوست و دشمن برای جنبش های انقلابی و آزادی خواه، به ویژه جنبش های خلق های تحت ستم مانند خلق کرد، یک امر حیاتی و فوق العاده مهم و جدی است. نباید گذاشت امپریالیسم جهانی برای تحکیم موقعیت خود در مناطق مختلف، حقوق خلق ها را دستاویز قرار داده و حضور سلطه طلبانه و مرگبار خود را توجیه کند.

قدرت های امپریالیستی، به ویژه کشورهای عضو پیمان تجاوز کارانه ناتو، هرگز نمی توانند مدافع حقوق مردم باشند. همین قدرت ها با سلاح های مدرن، مردم یوگسلاوی را وحشیانه مورد حمله قرار دادند و نام این اقدام را منافع یک ملت و «حقوق بشر» نامیدند، و در ترکیه با حمایت از حاکمیت فاشیستی، دست نظامیان متحد خود را در محو و نابودی سیستماتیک مردم کردستان ترکیه باز گذاشتند و رهبر حزب کارگران کردستان ترکیه، عبدالله اوچالان را با چشم و دست بسته در اختیار سازمان امنیت و ارتش ترکیه قرار دادند. باید در برابر نقشه های استعماری آمریکا، انگلستان و به طور کلی سرمایه داری جهانی هوشیار بود. جنبش ۲ بهمن تجارب بس گرانبهائی را در این خصوص به تاریخ و نسل امروز و فردا اهدا کرده است. این تجربیات چراغ راهنمای مبارزین در شرایط کنونی است.

رفیق شهید علی گلاویژ، دقیقاً در این زمینه، به درستی در بررسی جایگاه تاریخی جنبش ۲ بهمن نوشته است: «کسانی که با تاریخ گذشته خلق کرد آشنایی دارند به روشنی پی می برند که جنبش ۲ بهمن با ایجاد یک چنین چرخشی در سرنوشت کردستان و با پی ریزی اصول عمده جنبش معاصر کرد، بزرگترین خدمت را به خلق کرد انجام داده است. حکومت ملی کردستان گرچه بیش از یازده ماه نپایید و با تهاجم مشترک ارتجاع و امپریالیسم آمریکا و انگلیس سرنگون گردید، ولی بدون بیم از مبالغه باید این واقعیت را تکرار کنیم که در این دوران کوتاه با روح دموکراتیک و محتوی انقلابی و سمت گیری درست خود به نسل های امروز و آینده خلق کرد یگانه راه آزادی را نشان داد.»

هنگامی که از جنبش ۲ بهمن گفته می شود، نمی توان از حزب توده ایران نامی به میان نیاورد. این جنبش، بخشی از تاریخ پرفراز و نشیب حزب ما نیز محسوب می شود. آن چه به خلق کرد و فرزندان شایسته این خلق تعلق دارد، از آن حزب توده ای ما نیز هست. نقش و تاثیر حزب توده ایران در جنبش ۲ بهمن و تاریخچه درخشان مبارزات مردم کردستان ایران انکار ناپذیر و غیر قابل چشم پوشی است.

در سالگرد این جنبش پرافتخار تاریخی، به خاطره قهرمانان بنام و گمنام مبارزات مردم کرد، که در هر شرایطی به آرمان های ملی و انقلابی و مردمی خود وفادار ماندند و رنج توهین و تحقیر دشمنان را به جان خریدند، و همه آنانی که در این راه جان باختند و یا زندان و تبعید را تحمل کرده و می کنند، درود می فرستیم. خاطره ارجمند و گرامی، قاضی محمد، سیف قاضی، صدر قاضی، شیرزاد، فاروقی، عزیز یوسفی، شرفکندی، گلاویژ، قزلیچی و دهها رزمنده توده ای و دموکرات، همچون دیگر انقلابیون سرفراز میهن در قلب و روح خلق های ایران زنده و جاودانه است!

دوم بهمن ماه هر سال، برای جنبش دموکراتیک و آزادی خواهانه سراسری مردم میهن ما، روز خجسته و افتخار آفرینی است. در چنین روزی، مردم کرد، زیر رهبری حزب دموکرات کردستان ایران، و به صدارت مبارز نامدار شهید قاضی محمد، حکومت ملی و خود مختار کردستان ایران را تاسیس کردند. پایه گذاری حکومت های خودمختار در کردستان و آذربایجان، تحولی بزرگ و اساسی در جنبش دموکراتیک سراسری ایران در آن روزگار به شمار می رفت، و آشکارا سو و محتوی انقلابی و ترقی خواهانه داشت.

جنبش دوم بهمن، در پیوند سرشتی با مبارزات سراسری کشور شکل گرفت و قوام پذیرفت. این جنبش، ضمن اینکه به مبارزات سراسری تکیه داشت و از آن نیرو و الهام می گرفت، به نوبه خود در اعتلا و ژرفش مبارزات سراسری نقش بسزا و سهم موثری دارا بود. در باره خدمات تاریخی حکومت خود مختار طی یازده ماه موجودیت آن، تاکنون مطالب و پژوهش های ارزنده فراوانی، به ویژه از سوی حزب توده ایران و حزب دموکرات کردستان ایران، نگارش یافته و منتشر شده است. این حکومت، در مدت یک سال (یازده ماه) تحولی شگرف و ماندگار در تاریخ و فرهنگ کردستان ایران پدید آورد. برای نخستین بار، اراضی برخی فئودال های فراری به مثابه اولین گام در راه رهایی دهقانان محروم از یوغ مناسبات ارباب-رعیتی، مصادره شد و در تقسیم محصول به سود دهقانان تجدید نظر به عمل آمد.

کانون های آموزش و بهداشت رایگان برای توده مردم به وجود آمد، نقشه نخستین موسسات صنعتی در محدوده کردستان ایران تنظیم و مقدمات اجرای آن فراهم شد. مطبوعات و نشریات به زبان کردی انتشار یافت و چاپخانه دایر گردید. برای زنان در جامعه و خانواده، حقوق مساوی با مردان تامین شد، و سنگ بنای تئاتر ملی و رادیو گذاشته شد. حکومت خودمختار کردستان، همانند حکومت ملی و خود مختار آذربایجان، همواره بر این مهم پای می فشرده که، بخش جدایی ناپذیر از مبارزه ضد امپریالیستی، ضد ارتجاعی و آزادی خواهانه مردم سراسر ایران است. چنین دیدگاه روشن، صریح و اصولی، ثمره سالیان دراز تجربه اندوزی و شناخت دوست و دشمن در آزمون های دشوار عملی بود. بی گمان جنبش ۲ بهمن چکیده و عصاره این تجربیات تاریخی به شمار می رود. از هنگامی که در بهار سال ۱۳۲۲ خورشیدی، در آغوش کوهستان های مغرور غرب ایران و در منطقه بی به نام «قلای صارم»، جلسه موسسان نخستین حزب سیاسی کردستان تشکیل شد و مجله نیشتمان (میهن) به عنوان ارگان آن انتشار یافت، تا ۲۵ مرداد ۱۳۲۴ خورشیدی که طی تحولی عینی و ضرور حزب دموکرات کردستان ایران پدیدار شد و اعضاء و کادرهای کومه ژیان را در خود سازماندهی کرد، و تا مقطع تاسیس حکومت ملی و خود مختار زیر رهبری این حزب، مبارزان کرد ایران، تجارب تلخ و شیرین و مثبت و منفی بسیاری را اندوختند. پژوهش گران معتبر تاریخ کردستان ایران، و نیز رفقای رهبری حزب دموکرات کردستان، به ویژه رفیق قاسملو، مهم ترین، اصلی ترین و برجسته ترین تجربه را شناخت دوست و دشمن قلمداد کرده اند. در این زمینه، زنده یاد قاسملو، در کتاب ارزنده خود «کرد و کردستان» به کرات و با دقت، به این تجربه اشاره می کند. باید این تجربه گرانبها و خونبار را همیشه مد نظر قرار داد.

# آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

## اعتراض فرهنگیان به عملکرد رژیم ولایت فقیه

بر گزارش های فوق، اخبار و گزارش های متعدد دیگری از نارضایتی و اعتراض فرهنگیان در سراسر کشور، از جمله در شهرهای تبریز، اهواز، کرمان، شهرضا و همدان در دست است. این اعتراضات کاملاً زمینه عینی داشته و بر بستر رخدادهای جاری میهن ما شکل گرفته است.

طی سال های گذشته، سطح زندگی و دستمزد فرهنگیان ایران، همچون دیگر زحمتکشان و حقوق بگیران، با کاهش جدی و فاحش روبه رو بوده است. در سال گذشته خورشیدی، معاون پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش، در گفتگویی مطبوعاتی، اعتراف کرده بود: «خط فقر در آموزش و پرورش فعلاً با میانگین درآمدی ۵۵ هزار تومان تعریف شده است، در حالی که در بعضی آمارها خط فقر با درآمد ۸۰ هزار تومان در نظر گرفته شده است. با احتساب میانگین پرداختی ۵۵ هزار تومان، بیش از ۶۷ درصد فرهنگیان زیر خط فقر قرار دارند» (کیهان ۱۰ اردیبهشت ۷۷).

وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی، همه ساله با کسری بودجه روبه روست. در سال جاری، این کسری بودجه به حدی است که، وزیر آموزش و پرورش هشدار داده است که، قادر به پرداخت دستمزدها نخواهد بود. حسین مظفر، وزیر آموزش و پرورش، طی سخنانی در جلسه شورای آموزش و پرورش استان گلستان، با صراحت تأکید کرد: «وزارت آموزش و پرورش سال گذشته حدود ۴۵۰ میلیارد تومان کسری بودجه داشته است و امسال نیز این وزارتخانه فقط ۱۳۰ میلیارد تومان در اختیار دارد که، این مبلغ برای پرداخت حقوق کارکنان کفایت نمی کند» (ایرنا، ۹ خرداد ۷۸).

مسئولان رژیم، در چنین شرایطی نکاتی را برجسته و به آن اعتراف می کنند که هیچ اقدام روشن و کارسازی را در جهت رفع مشکلات در برنامه خود ندارند. برای اینان، منافع زحمتکشان فکری و یدی میهن ما فاقد اهمیت اند. در برنامه سوم توسعه، تخصیص ۲/۹ درصد تولید ناخالص ملی به امر آموزش و پرورش در نظر گرفته شده است. کارشناسان معتقدند که، این درصد ناچیز به وخامت اوضاع مالی آموزش و پرورش بیش از پیش دامن خواهد زد. بر اساس برآورد رسمی، فقط در نخستین سال اجرای برنامه سوم توسعه، وزارت آموزش و پرورش با یک هزار و ۲۰۰ میلیارد ریال کسری بودجه مواجه خواهد شد. معاون اداری و مالی این وزارتخانه، در گفتگویی با روزنامه ها، ضمن اشاره به پیامدهای ناگوار اجرای برنامه سوم برای فرهنگیان و دانش آموزان، پرده از بحران مالی موجود برداشته و اعلام می کند: «امسال وزارت آموزش و پرورش، ۲ هزار و ۵۹۰ میلیارد ریال کسری بودجه دارد.»

علاوه بر اینها، باید بر این نکته پر اهمیت انگشت گذاشت که، در برنامه سوم توسعه برای بخش خصوصی و سرمایه گذاران خارجی امتیازات ویژه و بزرگ منظور گردیده و آنها از انواع معافیت های مالیاتی و معافیت از پرداخت عوارض دولتی برخوردار شده اند. البته رژیم ولایت فقیه این معافیت ها و امتیازات چشم گیر را به حساب مردم و امکانات مردمی برقرار خواهد کرد. یکی از منابع مالی وزارت آموزش و پرورش، وصول عوارض دولتی در راه توسعه آموزش است. در برنامه سوم، این عوارض به طور کلی کاهش و در بسیاری بخش ها شامل معافیت ها شده و دیگر عوارضی نخواهد بود که، آموزش و پرورش بودجه خود را از آن تأمین کند. حسین مظفر، در این خصوص، خاطر نشان ساخته است: «آموزش و پرورش با کسری بودجه در برخی منابع روبروست و در صورت عدم پرداخت ۲ درصد عوارض قانونی کارخانه ها و شرکت ها، این مشکل در سال جاری و سال های آینده حادتر می شود» (ابرار، ۱۹ آبان ماه ۷۸). باید در این مورد تأکید کرد که، سران رژیم ولایت فقیه، از همه جناح ها، امتیازات چشمگیر به بخش خصوصی و سرمایه گذاران خارجی

طی ماه های اخیر، اعتراضات فرهنگیان کشور به اقدامات و برنامه های رژیم ولایت فقیه، گسترش محسوس و قابل توجه ای پیدا کرده است. در اواخر آبان ماه سال جاری خورشیدی، بیش از ۲۵۰۰ تن از فرهنگیان با سابقه شهر تهران، به عملکرد مسئولان وزارت آموزش و پرورش و مسئولان تعاونی مسکن منطقه ۴ تهران اعتراض کرده و خواستار حل مسئله مسکن برای فرهنگیان شدند. خواست اصلی این آموزگاران و دبیران، تحویل مسکن به آنها و برکناری تعاونی مسکن پروژه تهران پارس بود. پروژه مسکن تهران پارس، طرحی است که از سالیان گذشته تا به امروز به حالت نیمه تمام رها شده و هیچ یک از مسئولین وزارت آموزش و پرورش نیز پاسخگوی آن نیست. بر پایه این طرح، قرار بوده، هزاران آموزگار و دبیر صاحب مسکن شوند. در حال حاضر تعاونی مذکور ۲۹۰۵ عضو دارد. روزنامه همشهری، ۲۵ آبان، در رابطه با حرکت اعتراضی دبیران و آموزگاران تهران نوشت: «قریب ۲۵۰۰ تن از فرهنگیان تهران که سال هاست به عنوان اعضاء تعاونی مسکن منطقه ۴ آموزش و پرورش در انتظار احداث و تحویل واحدهای مسکونی پروژه تهران پارس هستند، در مقابل ساختمان وزارت تعاون تحصن کردند.»

تحصن فرهنگیان، که چند ساعت متوالی ادامه داشت، به وسیله بسیج و نیروی انتظامی پراکنده شد. این حرکت اعتراضی در میان کلیه شاغلین وزارت آموزش و پرورش، به ویژه معلمان سراسر تهران، بازتاب گسترده یافت و با آن ابراز همبستگی شد. لازم به یادآوری است که، در دوران ریاست جمهوری رفسنجانی، حیف و میل مالی وسیعی در تعاونی مسکن فرهنگیان از جمله پروژه تهران پارس، رخ داد که اغلب گردانندگان تعاونی منطقه، از زمره حیف و میل کنندگان اند. در میان فرهنگیان گفته می شود، بخشی از سوء استفاده مالی به وسیله رئیس کنونی سازمان برنامه و بودجه و از نزدیکان رفسنجانی و عضو موسس کارگزاران سازندگی صورت گرفته است. علاوه بر شهر تهران، در شهر رشت نیز دهها تن از فرهنگیان در اعتراض به سطح پایین دستمزد و مشکلات معیشتی و اوضاع نابسامان مدارس، طوماری را به صورت گروهی امضاء کرده و برای هیئت دولت ارسال داشته اند. فرهنگیان رشت تهدید به اعتصاب کرده و خواستار حل فوری مشکلات خود شده اند. در اوایل آبان ماه، در شهر سندانج، گروهی از آموزگاران و دبیران، به اتفاق خانواده هایشان، در مقابل ساختمان استانداری دست به تجمع زده و خواستار جلوگیری از اخراج فرهنگیان در استان کردستان شدند. طی چند ماه گذشته حداقل ۱۵ آموزگار به دلایل واهی اخراج گردیده اند. در این گردهمایی، فرهنگیان خواستار بازگشت اخراج شدگان و توقف خصوصی سازی در عرصه آموزش شدند. این تجمع نیز به سرعت از سوی سپاه و بسیج و نیروی انتظامی متفرق شد و به فرهنگیان اخطار گردید که، در صورت تکرار این گونه تجمعات غیر قانونی به شدت با آنها برخورد می شود.

به گزارش مطبوعات، در اواسط آذر ماه، تعداد کثیری از فرهنگیان قریح ورامین، در اعتراض به فساد مالی و دزدی و رشوه در تعاونی مسکن فرهنگیان ورامین، در مقابل فرمانداری گرد هم آمده و خواستار رسیدگی مسئولان و حل معضل مسکن خود شدند. بیش از ۵ سال است که تعاونی مسکن این منطقه، از فرهنگیان پول دریافت می کند، اما تا به امروز حتی یک خانه به کسی تحویل داده نشده است. گردهمایی فرهنگیان ورامین با حمایت گسترده اهالی منطقه روبه رو شد و دانش آموزان نیز با آن ابراز همبستگی کردند. نیروهای سپاه و بسیج، به اتفاق نیروی انتظامی، به گردهمایی مسالمت جویانه فرهنگیان حمله کرده، و ضمن پراکنده ساختن آنان، شماری را مجروح و بازداشت کردند. علاوه

## ادامهٔ اعتراض فرهنگیان ..

را به بهای پایمال کردن منافع فرهنگیان، کارگران و زحمتکشان و همه حقوق بگیران، اعطا کرده اند. روشن است که، این امتیازات از منافع و حقوق بدیهی چه کسانی کسر و در خدمت منافع چه کسانی قرار داده شده است. اجرای برنامه سوم توسعه، که چارچوب کلی و سمت گیری اقتصادی- اجتماعی جمهوری اسلامی در آینده را آشکار می کند، سبب خواهد شد که، سطح زندگی فرهنگیان، این خادمان شریف و ارجمند دانش و فرهنگ میهن ما، به مراتب بیش از گذشته سقوط کرده و چنگال اهریمنی فقر بر گلویشان و خانواده هایشان فشار آورد. یکی دیگر از برنامه های فوق العاده مخرب رژیم ولایت فقیه در عرصه آموزش و پرورش، خصوصی افسار گسیخته است. مظفر، وزیر آموزش و پرورش، در اولین اجلاس نمایندگان شورای هماهنگی موسسات و دبیران شورای نظارت بر مدارس غیر انتفاعی استان ها، اعلام داشت: « مشارکت پذیری، تمرکز زدایی و کاهش بار تصدی دولت و واگذاری امور به مردم (مردم یعنی بخش خصوصی دلال) از محورهای اصلی سیاست وزارت آموزش و پرورش است» (کیهان، ۲۵ آبان ۷۸).

خصوصی سازی در آموزش و پرورش، به دو دلیل بنیادین، پیامدهای سخت ناگوار و بسیار خطرناک پدید خواهد آورد. اول اینکه، سطح آموزش و تربیت و به طور کلی بنیه علمی و فرهنگی کشور به شدت تضعیف شده و بر تعداد بی سوادان افزوده خواهد شد. دوم، منجر به سقوط فاحش سطح زندگی فرهنگیان و کاهش درآمد آنان می گردد. خصوصی سازی در آموزش و پرورش مساوی است با رشد بیسوادی و اختصاص همه امکانات به ویژه امکانات نوین تحصیلی، به طبقات ثروتمند. در عین حال، میلیون ها تن از فرزندان طبقات زحمتکش جامعه از دسترسی به آموزش، به عنوان یک حق مسلم و بدیهی، محروم می گردند و شکاف طبقاتی هولناکی در عرصه آموزش پدید می آید. بنا به آمار رسمی وزارت آموزش و پرورش، در حال حاضر، ایران بیش از ۸ میلیون دانش آموز و یک میلیون و ۶۰ هزار فرهنگی اعم از آموزگار، دبیر و مربی دارد. کمبود آموزگار و دبیر و مربی از زمره مشکلات جدی کنونی است. افزون بر این سرانه هزینه های جاری تحصیلی برای هر دانش آموز ایرانی ۸۰۰ هزار ریال است، که رقمی فوق العاده ناچیز است و در مقایسه با سطح کشورهای پیشرفته یعنی صفر! خصوصی سازی این وضعیت اسف بار را فاجعه آمیز خواهد ساخت.

مخالفت و مقابله با چنین سیاست های ارتجاعی است که فرهنگیان میهن ما را به مبارزه و رویارویی با رژیم کشانده است. این مبارزه ای است با پایه های عینی معین و کاملاً برحق و در راستای نیل به آزادی و عدالت اجتماعی. فرهنگیان کشور نقش ستایش برانگیزی در انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷ بر عهده داشتند. ضرورت تشکل های صنفی مدافع حقوق صنفی فرهنگیان و احیای مجدد کانون صنفی معلمان ایران، که در دهه ۶۰ غیر قانونی اعلام شد، ضرورت انکار ناپذیر لحظه کنونی مبارزه است!

## انتخابات شیلی و شکست راست افراطی

پینوشه را در لندن در بازداشت نگاه داشته بود، در طرحی توطئه آمیز که با هماهنگی دولت شیلی تدوین شده بود، مقدمات فرار او از محاکمه در اسپانیا را فراهم ساخت. پینوشه قرار بود که در اسپانیا به جرم ۳۵ مورد شکنجه و توطئه برای شکنجه در طول دوران حکومتش در شیلی محاکمه شود. چهار دکترا متخصص انگلیس دیکتاتور ۸۴ ساله را مورد معاینه قرار دادند و نظر دادند که شرایط او برای حضور در دادگاه مناسب نیست. جک استراو، وزیر کشور انگلستان، در روز ۲۱ دی ماه، گفت که، او نظر متخصصان را پذیرفته است. بسیاری از مطلعان تصمیم دولت انگلیس را هم به لحاظ سری بودن آن و هم به دلیل زمان آن مورد سؤال قرار دادند. دولت انگلیس از دسترسی سازمان های بین المللی و بی طرف به پرونده پزشکی پینوشه، که خواستار بررسی زمینه های پزشکی تصمیم بودند، جلوگیری کرد. از سوی دیگر، تصمیم دولت انگلیس ۵ روز قبل از انتخابات در شیلی صورت گرفت و به نوعی کارزار انتخاباتی در این کشور را مورد تاثیر قرار داد. سازمان عفو بین الملل و نیز نیروهای دموکرات اسپانیایی معتقدند که، اشکالات و ناتوانی های فیزیکی نمی تواند دلیلی برای عدم حضور پینوشه در دادگاه باشد، و فقط امراض روانی لزوم حضور متهم در دادگاه را منتفی می کند. آنها مطرح می کنند که، بسیاری از جنایتکاران نازی در کوهلت و در سنین بالا محاکمه و پاسخگوی اعمال خود شدند. بررغم تصمیم انگلیس و امکان فرار پینوشه از یک محاکمه عادلانه، مسأله بازداشت ۱۵ ماهه او در انگلیس، به درخواست قضات اسپانیایی، بدعت نویی است. از این پس تمامی جانیان و دولتمداران دیکتاتور، در چهار گوشه جهان، قبل از مسافرت به خارج از کشور خود باید نگران احتمال سرنوشت های مشابهی باشند. مسببان نقض حقوق بشر روزی پاسخگوی جنایات خود خواهند بود، گرچه این روند می تواند ده، بیست سال و حتی پنجاه سال طول بکشد.

جواخیم لائین، کاندیدای راست افراطی شیلی، شکست خود در انتخابات دور دوم ریاست جمهوری را که در روز ۲۶ دی ماه برگزار شد، قبول کرد، و با حضور در ستاد کارزار انتخاباتی ریکاردو لاگوس، پیروزی او را تبریک گفت. لائین، در دوران دیکتاتوری نظامی، مشاور ژنرال پینوشه و از مدافعان مجازات اعدام است. ریکاردو لاگوس، که عضو حزب سوسیالیست شیلی است به نمایندگی از ائتلاف لیبرال در انتخابات شرکت کرد و ۵۲ درصد آرا را تصاحب کرد. او در سخنرانی خود برای ۶۰ هزار تن از اهالی سانتیاگو، که پس از اعلام نتایج انتخابات در میدان جلو کاخ ریاست جمهوری لا موندا که در روز کودتا در سپتامبر ۱۹۷۳ بمباران شده بود، آمده بودند، گفت: «ما پیروز شده ایم، اما این شکستی برای هیچ کسی نیست. من رئیس جمهوری همه شیلیایی ها هستم. در دولت من، همه از نظر قانون و عدالت برابرند.» بسیاری از طرفداران او این اظهار نظر را اشاره بی به مسأله محاکمه ژنرال پینوشه قلمداد کردند.

جمعیت بارها با شعار «پینوشه را محاکمه کنید» سخنرانی او را قطع کرد. لاگوس گفت: «در دولت من، محاکمات در دادگاه ها صورت می گیرند و من تضمین خواهم کرد که به رای دادگاه ها احترام گذاشته شود.» در حال حاضر یک قاضی شیلیایی مشغول تحقیق در مورد دعاوی حقوقی بر ضد دیکتاتور پیشین، پینوشه است که متعاقب کودتای خونین بر ضد دولت قانونی سالوادور آلنده، به مدت ۲۷ سال حکومت ترور و وحشت را رهبری کرد که در طی آن هزاران نفر کشته و ناپدید شدند.

### دولت انگلیس و یاری پینوشه

فعالان حقوق بشر و مدافعان دموکراسی در جهان تصمیم دولت انگلیس به رها کردن پینوشه از بازداشت و عدم استرداد او به اسپانیا برای محاکمه، به جرم قتل و شکنجه هزاران دموکرات، را محکوم کردند. وزارت کشور انگلیس، که در ۱۵ ماهه گذشته به درخواست یک قاضی اسپانیایی، آگوستو

### ادامهٔ شیخ چانوشسکو ...

بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را، که مسئولیت آن «پایه کردن، اجراء و نظارت یک استراتژی اقتصادی» است، پذیرفته است.

«ایوان ایلیسکو»، رئیس جمهوری سابق، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را متهم می کند که رومانی را به سوی یک فاجعه می برند. این در حالی است که

ائتلاف راست میانه، که در سال ۱۹۹۶ به قدرت رسید، اجرای سیاست ریاضت کشی صندوق بین المللی پول را کتباً پذیرفته است.

به نقل از «اومانیته»،  
۲۸ دسامبر ۱۹۹۹

## ادامه مبارزه بی که به هدف ...

نگرانی شدید از اوضاع کشور، هشدار دادند که مبارزه توده ای پایه های اساسی رژیم را هدف قرار داده است و باید برای نجات «نظام» چاره ای اندیشید. در بیانیه از جمله آمده است: «ولایت فقیه که بنیانگذار عظیم الشان انقلاب اسلامی آن را رمز آسیب ناپذیری کشور می دانست، محور وحدت عمومی مردم و نقطه اتکای همه دوستان انقلاب است. سخن ولی امر، فصل الخطاب مباحثات و حکمش فیصله دهنده ی اختلافات است. این اصل بنیادین اسلامی، در قانون اساسی ایران، مبنای اداره کشور قرار گرفته و اکثریت قاطع ملت، علاوه بر تعهد دینی خویش، با آراء خود آن را پذیرفته و در نظام سیاسی ایران، بدان عینیت بخشیده اند...» و سپس، در جمع بندی نهایی، می افزاید: «اصل ولایت فقیه را که ستون فقرات نظامی اسلامی را تشکیل می دهد، اصل خدشه ناپذیر دانسته و اظهارات تردید آفرین و شبهات بی اساس را در این باره خلاف شرع مقدس و قانون اساسی می شمارد» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ایرنا، ۲۳ دی ماه ۱۳۷۸، تاکیدات از ماست). مجلس خبرگان رژیم، که در آن بخش اساسی رهبری جریاناتی همچون «جامعه روحانیت مبارز»، «حوزه های علمیه» و دیگران حضور دارند، به درستی به این ارزیابی رسیده است که خطر انفجار اعتراض های توده ای «ستون فقرات» رژیم را تهدید می کند. آن ها بدرستی بر این اصل تکیه می کنند که بدون ادامه حاکمیت اصل «ولایت فقیه»، نمی توان ادامه «نظام» استبدادی را تأمین کرد و بنابراین لازم است با غیر قانونی کردن هرگونه اعتراض و یا ایجاد شبهه در این زمینه، به مصاف مخالفان که اکثریت عظیم توده های مردم میهن ما را تشکیل می دهند، رفت. مجلس خبرگان رژیم، با سفسطه پیرامون این امر که در آغاز انقلاب اکثریت عظیم مردم به قانون اساسی و بنابراین اصل «ولایت فقیه» رأی داده اند، اجرای این اصل در حاکمیت سیاسی میهن ما را خواست مردمی جلوه می دهد. اکثریت عظیم توده ها، در آغاز انقلاب، با توجه به قول هایی همچون اجرای عدالت و از بین بردن «کاخ نشینی و کوخ نشینی»، تأمین آزادی برای همه قشرهای مردم و قول های دیگری از این دست، به حاکمیت برآمده از انقلاب و قانون اساسی پیشنهادی رأی دادند.

از آن تاریخ تا به امروز بیش از دو دهه گذشته است، و مردم در بوته آزمایش تاریخی و دردناک دریافته اند که، «نظام» کنونی جز باز تولید همان نظام استبدادی سلطنتی، اما این بار در شکل مذهبی آن، چیز دیگری نیست. نمایندگان مجلس خبرگان فراموشی کرده اند که در جریان انتخابات دوم خرداد ماه ۱۳۷۶، سران رژیم و خصوصاً جناح «ذوب در ولایت»، با همراهی شخص «ولی فقیه»، انتخابات را به رفراندومی پیرامون ادامه حاکمیت «ولایت مطلقه فقیه»، و «هرچه بیشتر اسلامی کردن» ایران در مقابل خواست استقرار آزادی و جامعه مدنی تبدیل کردند و در یک حرکت تاریخی بیش از ۲۰ میلیون ایرانی با رأی قاطع خود مخالفت جدی و خدشه ناپذیرشان را با برنامه «هرچه بیشتر اسلامی کردن» ایران اعلام کردند. آیت الله منتظری، که خود از تدوین کنندگان قانون اساسی کنونی و از تنظیم کنندگان گنجاندن اصل «ولایت فقیه» در قانون اساسی بوده است، اخیراً، بدرستی و با شهامت، بر این حقیقت انکار ناپذیر انگشت گذاشت و در رد ترهات مجلس خبرگان رژیم، اعلام کرد: «اصول سیاسی قانون اساسی مانند احکام خدا نیست که قابل تغییر نباشد. اساس و زیربنای قوانین سیاسی کشور مردم و آراء اکثریت آنان می باشد و با گذشت بیش از بیست سال از قانون اول و ده سال از قانون جدید اکثریت آراء سابق باقی نمانده است و نسل گذشته نماینده نسل های آینده نیستند و بطور کلی سیاست دایماً در تحول بوده و نمی توان آراء سیاسی گذشته و فرمول های آن را محور زندگی آیندگان قرار داد» (به نقل از ضمیمه «نامه مردم»، شماره ۵۷۴، ۲۸ دی ماه، ۱۳۷۸).

حزب توده ایران، نخستین سازمان سیاسی کشور بود که با ارزیابی همه جانبه اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور و همچنین ساختار حاکمیت سیاسی، نزدیک به ده سال پیش، اعلام کرد که «ولایت فقیه» مهم ترین سد راه هرگونه تحول اساسی به سمت آزادی و استقرار عدالت در ایران است. کمیته مرکزی حزب ما در نشست فروردین ماه ۱۳۶۹، هنگامی که بخش های گسترده ای از اپوزیسیون در پی سراب «استحاله رژیم» و قول های سرپایا دروغ هاشمی رفسنجانی، به عنوان مرد «پراگماتیک» رژیم، بودند و اوضاع ایران را با آفریقای جنوبی مقایسه می کردند، در سند سیاسی نشست خود به روشنی اعلام کرد: «در کشور ما رژیم خودکامه مذهبی قرون وسطایی حاکم است. این رژیم زیر پوشش «اسلام فقهاتی»، حقوق بشر را زیر پا گذارده و به جنایت های

هولناکی دست زده که در تاریخ معاصر ایران بی نظیر است... اگر بپذیریم که اصل «ولایت فقیه» سرنوشت میلیون ها انسان را به دست افراد خود کامه ای می سپارد که خود را نه تنها پایبند و مجری هیچ قانونی نمی دانند، بلکه بالاتر از هر قانونی می دانند، در این صورت باید لبه تیز مبارزه را قبل از هر چیز متوجه این مانع اساسی کرد... هم اکنون در داخل و خارج از کشور نیروها و شخصیت های مخالف اصل «ولایت فقیه» اندک نیستند. این افراد نه تنها در صف مخالفان رژیم کنونی قرار دارند، بلکه در عین حال هستند افراد و نیروهایی که هم اکنون نقش معینی در رژیم حاکم نیز ایفاء می کنند. آنها دارای باورهای مذهبی هستند اما شواهد امر نشان می دهد که آماده اند برای حذف اصل ولایت فقیه با دیگر نیروها همکاری کنند. حذف این اصل که محتوی اساسی رژیم حاکم است، بطور حتم جایگزین کردن اصل دموکراتیک در قانون اساسی و در نتیجه تغییر بنیادی در آن را پیش می کشد. لذا طرح شعار طرد ولایت فقیه یک شعار مرحله ای برای دست بابی به هدف استراتژیک است» (از اسناد پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، فروردین ماه ۱۳۶۹، به نقل از «نامه مردم»، شماره ۳۱۲، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۹).

شعار «طرد رژیم ولایت فقیه»، در سال های اخیر، هم از راست و هم از چپ، مورد شدید ترین حملات قرار داشته است. گروهی آن را «خانمانسوز» دانسته و وظیفه خود را تجهیز نیرو برای مبارزه با این شعار اعلام کردند، و گروهی دیگر طرح این شعار را عدول حزب ما از مبارزه بر ضد جمهوری اسلامی ارزیابی کردند. دلیل این حملات عمدتاً در این حقیقت نهفته است که حزب ما بار دیگر توانسته بود، در شرایط بسیار حساس کشور، درست تر و دقیق تر از سایر نیروها اوضاع را ارزیابی کرده و شعاری را در جامعه طرح کند که بسیج گر توده ها باشد. نزدیک به دهسال پس از طرح این شعار، از سوی حزب ما، بخش های وسیعی از جامعه و نیروهای مترقی و آزادی خواه در درون کشور هرچه بیشتر و از طریق تجربه مستقیم به درستی و حقانیت شعار حزب ما پی می برند و بر همین اساس است که هر روز بیش از پیش نوک تیز پیکان مبارزه این اصل را به عنوان ستون اساسی حاکمیت استبدادی مورد حمله قرار می دهد و نگرانی سران رژیم نیز از همین است.

همان طوری که اشاره کردیم تجربه سه سال گذشته حاوی درس های گرانبهایی برای نیروهای سیاسی، شخصیت ها و بیش از همه جنبش مردمی بوده است. در حالی که در دوم خرداد ۷۶، بیش از ۲۰ میلیون هموطن ما به آزادی و حرکت به سمت استقرار جامعه مدنی و عدالت رأی دادند، سران رژیم، و در وهله نخست «ولی فقیه» و انصارش، با بهره جویی از اصل «ولایت فقیه» و تکیه بر اهرم های اساسی قدرت که در انحصارشان قرار دارد، اجازه نداده اند این شعارها تحقق یابد. یورش و سرکوب خونین جنبش دانشجویی که حرکتش بیش از پیش «ولایت فقیه» و شخص «ولی فقیه» را هدف قرار داده بود، کشتار دگراندیشانی که در راه آزادی و طرد «ولایت فقیه» مبارزه می کردند، بستن ده ها روزنامه به جرم مخالفت با «ولایت»، و در سال گذشته، حذف هزاران نامزد انتخاباتی در جریان انتخابات شوراها، و در روزهای اخیر، صد ها نفر در جریان انتخابات مجلس شورا، همگی به جرم عدم «التزام به ولایت فقیه» و مخالفت با آن به روشنی نشان می دهد که چرا مبارزه برای طرد ولایت فقیه حلقه اساسی مبارزه در اوضاع کنونی را تشکیل می دهد.

بدین ترتیب مبارزه اساسی که امروز در میهن ما در جریان است، نه مبارزه بر سر این یا آن موضوع مقطعی، همچون انتخابات مجلس، که در جای خود دارای اهمیت است، بلکه مبارزه برای تضعیف و سرانجام طرد رژیم «ولایت فقیه» است. بر همین اساس، مبارزه در عرصه انتخابات مجلس نیز به این دلیل دارای اهمیت است که، شکست نیروهای مدافع «ذوب در ولایت» و از دست دادن اکثریت مجلس ضربه ای است به انحصار اهرم های قدرتی که در دست «ولی فقیه» تمرکز یافته است و مهم تر از این صحنه مهمی است برای افشای ماهیت ارتجاع حاکم و سازمان دهی توده ها. سران رژیم نیز به این خطر توجه دارند، اعلام ضرورت مقابله با «تهاجم فرهنگی»، از سوی سرپاسدار استبداد، رحیم صفوی، شخص ولی فقیه و انصارش نیز به این دلیل است که بردن آگاهی به درون جامعه (یعنی همان چیزی که «ولی فقیه»، تهاجم فرهنگی می نامد)، شعارها و خواست های جنبش مردمی را تدقیق و رادیکالیزه می کند، و مبارزه را بیش از پیش، به هدف اساسی نزدیک تر می کند. هنوز در این راه کار زیادی باقی است که باید با تمام توان کمر همت به انجام آن بست.



### و باز هم انحصاری تر شدن!

در طی بزرگ ترین معامله تاریخ، کمپانی عظیم اینترنت «آمریکان آن لاین» و امپراتوری مطبوعاتی «تایم وارنر» در جریان یک معامله ۲۲۰ میلیارد پوندی، در روز ۳۰ دی ماه، با هم ادغام شدند. این توافق که یکی از بزرگ ترین کمپانی های جهان را از نظر ارزش سهام ایجاد خواهد کرد، از طرف تحلیل گران جهان مطبوعات به عنوان شاهدهی بر اهمیت آتی اینترنت در توسعه صنایع تفریحی و مطبوعات تلقی گردید.

بر اساس این توافق کمپانی اینترنت «آمریکان آن لاین» که ۱۵ سال پیش تشکیل شد، امپراتوری عظیم و قدیمی «تایم وارنر» را، که شامل کمپانی فیلم «وارنر برادرز»، مجله «تایم»، ایستگاه خبری تلویزیون «سی ان ان»، گروه موسیقی «وارنر» و شبکه تلویزیونی کارتون است در خود بلعید.

«آمریکان آن لاین» که صاحب دو کمپانی اینترنت دیگر به نام های «کامپیوسرو» و «تسکاپ» است، با ۲۰ میلیون مشترک، بزرگ ترین کمپانی اینترنت آمریکا است. کمپانی جدید، قدرت و امکان وسیعی برای ارائه فیلم و خدمات تفریحی و سرگرمی از طریق اینترنت خواهد داشت و گامی کیفی در انحصاری کردن کنترل سرمایه داری بر وسایل ارتباط جمعی محسوب می شود. اعلام خیر ادغام، قیمت سهام هر دو کمپانی را شدیداً افزایش داد.

قیمت سهام بسیاری از کمپانی های مطبوعاتی انگلیس نیز متعاقب این خبر افزایش یافت. تا قبل از این بزرگ ترین ادغام در تاریخ، توافق دو کمپانی «بریتیش پترولیوم» و «آموکو» در معامله بی به قیمت ۷۰ میلیارد پوند بود.

در ماه گذشته نیز تلاش کمپانی تلفن همراه (موبایل) «ودافون» انگلیس برای خرید کمپانی «مانسمان» آلمان، که ترکیبی از خطوط زمینی و موبایل را ارائه می کند، در معامله بی به قیمت ۷۹ میلیارد دلار، بحث های فراوانی را موجب شده بود. ادغام کمپانی ها، مخصوصاً در عرصه ارتباطات و کامپیوتر، کوششی در جهت کنترل انحصاری بر بازار پرسودی است که اینترنت و تکنولوژی نوین ایجاد کرده است.

داگلاس وایت، تحلیل گر ارتباطات راه دور بانک تجارت آلمان، می گوید: «صحنه برای یک دور دیوانه وار ادغام و فعالیت در جهت کسب مالکیت در طول چند سال آینده تنظیم شده است. هیچ کمپانی بی در اروپا از این امر مصون نیست.»

### اسلامگرایان تاجیکستان

با نزدیک شدن موعد انتخابات پارلمانی، که قرار است در روز ۱۸ اسفند ماه انجام گیرد، کارزار انتخاباتی احزاب مختلف تشدید گردیده است. در این انتخابات ۴۱ کرسی از طریق کاندیداهای منفرد و مشخص در حوزه های انتخاباتی و ۲۲ کرسی هم به نسبت آراء کسب شده برای لیست های انتخاباتی احزاب تقسیم خواهد شد. حزب کمونیست تاجیکستان، در کنگره خود که در روز ۶ دی ماه برگزار شد، ۲۲ کاندیدای خود برای لیست حزبی را انتخاب کرد. کنگره حزب رنسانس اسلامی نیز در روز ۱۰ دی ماه برگزار شد.

سید عبدالله نوری، رهبر حزب، در سخنرانی خود تأیید این حزب را به ساختمان یک «جامعه عادلانه» و رعایت «قیود قانون اساسی تاجیکستان» در رابطه با ایجاد یک کشور اسلامی، مورد تأکید قرار داد. او در اشاره به انتخابات ریاست جمهوری، که در آبان ماه برگزار شد، گفت که حزب رنسانس اسلامی بررغم «موانع مصنوعی که توسط برخی بوروکرات ها» در مقابل آن ایجاد شده بود، تجربه اندوزی کرده است. نوری مدعی شد که، حزب رنسانس اسلامی تنها اپوزیسیون واقعی در مقابل حزب دموکراتیک مردمی تاجیکستان، حزب حاکم، است.

### بازار داغ ائتلاف های انتخاباتی در قرقیزستان

با نزدیک شدن انتخابات پارلمانی، که قرار است در روز اول اسفند برگزار شود، فعالیت نیروهای سیاسی قرقیزستان در جهت تدارک ائتلاف های انتخاباتی تشدید گردیده است. در این انتخابات، یک چهارم کرسی های نمایندگی پارلمان بین احزاب به نسبت آراء کسب شده برای لیست های انتخاباتی آنان تقسیم خواهد شد و بقیه کرسی ها به کاندیداهای منفرد که در حوزه های انتخاباتی مختلف حائز اکثریت شوند، تعلق خواهد گرفت. در جلسه بی در روز ۹ دی ماه، رهبران سه حزب طرفدار دولت، حزب سوسیال دموکراتیک، حزب احیاء اقتصادی و حزب بیریمیدک اعلام نمودند که در رابطه با یک لیست مشترک انتخاباتی به توافق رسیده اند. در روز ۱۵ دی ماه نیز حزب «شرف» و جنبش دموکراتیک قرقیزستان ایجاد یک ائتلاف انتخاباتی را اعلام کردند.

مقامات قضایی کشور اعلام کرده اند که، حزب «شرف» به دلیل این که هنوز یک سال از تاریخ تأسیس آن، مرداد ماه جاری، نگذشته است، طبق قانون انتخابات، حق شرکت در انتخابات را ندارد. رهبران «شرف» مدعی اند که قانون انتخابات مورد اشاره بر پایه «جمعیت های عمومی» که در سال ۱۹۹۱ تصویب شده، تدوین گردیده است، در حالی که قانون احزاب سیاسی مصوب سال ۱۹۹۹، هیچ محدودیت مشابهی را برای شرکت در انتخابات قابل نشده است.

فلیکس کیولوف، صدر حزب «شرف» و شهردار سابق پایتخت، در کنگره حزب، به ۷۰۰ نماینده حاضر گفت که، در صورت موفقیت حزب او برای اینکه قانون اساسی قرقیزستان زبان روسی را به عنوان زبان رسمی کشور بپذیرد، مبارزه خواهد کرد. او گفت که، حزب «شرف» در پارلمان آینده در جهت تضمین حقوق اقلیت ها مبارزه خواهد کرد. در حال حاضر هیچ یک از نمایندگان پارلمان کنونی متعلق به اقلیت های ملی نیستند. دیوان عالی کشور، در روز ۱۰ دی ماه تصمیم کمیسیون مرکزی انتخابات در رابطه با ممنوعیت حزب «بی بشارا» را از شرکت در انتخابات، را تأیید کرد.

این حزب، پس از حزب کمونیست های قرقیزستان دومین حزب کشور است. کمیسیون مرکزی انتخابات دلیل تصمیم خود را به این دلیل دانست که در اساسنامه حزب «بی بشار» شرکت در انتخابات کشوری به عنوان هدف تصریح نشده، اعلام نمود. اسبابامات ماسالیوف صدر حزب کمونیست های قرقیزستان (دبیر اول حزب کمونیست در دهه ۸۰ میلادی) در روز ۲۸ دی ماه در بیشلیک گفت که کمونیست ها در انتخابات اول اسفند با هیچ حزب دیگری ائتلاف نخواهند کرد.

حزب کمونیست های قرقیزستان بزرگ ترین حزب سیاسی کشور است. «حزب کمونیست قرقیزستان» که چند ماه قبل از حزب کمونیست های قرقیزستان انشعاب کرد و در شهریور ماه اجازه فعالیت رسمی گرفت، طبق قوانین انتخاباتی قادر به شرکت در انتخابات نیست. کلارا عجیبکوا، رهبر این حزب، گفت که خود او در یک حوزه انتخاباتی بیشک کاندیدا خواهد شد.

### تشیخ در روابط آذربایجان و روسیه

مسافرت حیدر علی اوف، رئیس جمهوری آذربایجان، در روز های ۱۹ و ۲۰ دی ماه به آنکارا، و مذاکرات او با همتای ترکیه ای خود، سلیمان دمیرل، را نمی توان در رابطه با درگیری های چچن ندانست. مقامات آذربایجان این بازدید را در رابطه با خط لوله صادراتی باکو و جیحان و آینده مذاکرات برای حل درگیری های ناگورنی قره باغ دانستند.

علی اوف اظهار داشته است که، درگیری های قره باغ نمی تواند بدون مشارکت ترکیه حل و فصل شود. ولی از سوی دیگر، مسافرت علی اوف به ترکیه در شرایط اوج درگیری های لفظی روسیه و آذربایجان انجام می شود و نشانه های قوی دال بر کوشش آذربایجان در جلب حمایت این کشور عضو ناتو از مواضع خود وجود دارد. وزارت دفاع روسیه، در بیانیه بی در ۱۸ دی ماه، فاش کرد که، نیروهای چچن در تدارک یک جنگ فرسایشی پایگاهی را در آذربایجان ایجاد کرده اند. وزارت خارجه آذربایجان این ادعای روسیه را یک «تحریک آشکار و دروغ» خواند و آن را کوششی برای تخریب روابط بین دو کشور و کشاندن آذربایجان به درگیری ها قلمداد کرد.

آراز قریان اوف، سخنگوی وزارت امنیت ملی آذربایجان، در بیانیه ای در روز ۱۷ دی ماه ادعای روسیه را متوجه ایجاد زمینه ای برای گسترش عملیات نظامی به آذربایجان دانست. حضور صد جنگجوی زخمی چچن، که در عملیات جنگی زخمی شده اند، در بیمارستان های آذربایجان و اقامت یافتن برخی چهره های سرشناس رهبران چچن سوء ظن هایی را در رابطه با موضع آذربایجان در درگیری های چچن ایجاد کرده است. آژانس خبری اینترفاکس گزارش داده است که همسر و سه فرزند زلیمخان بانداریوف، جانشین رئیس جمهوری سابق چچن، در روز ۱۵ دی ماه، باکو را به مقصد یک کشور غربی ترک کرده اند.

بر طبق خبر نشریه «مسکوسکی نووستی» خانواده بانداریوف از آذر ماه بطور ناشناس در باکو به سر می برده اند. مرکز مطبوعاتی نیروهای روسیه، در روز ۱۷ دی ماه، مدعی گردید که، سه چهره سرشناس چچن از جمله وزیر خارجه پیشین، مولادی اودوگوف، در حال حاضر در باکو هستند. وزارت امنیت ملی آذربایجان این گزارش را تکذیب کرده است.

## بحران، شب چائوشسکو را بیدار کرد!

«اومانیت» در روز ۷ دی ماه، به مناسبت دهمین سالگرد اعدام نیکلای چائوشسکو، گزارشی از خبرنگار ویژه خود منتشر کرد، که به دلیل افشای واقعیت های زندگی امروز مردم این کشور آموزنده است. خلاصه ای از این گزارش به شرح زیر است:

«نیکلای چائوشسکو و همسرش، پس از اعدام در روز ۲۵ دسامبر ۱۹۸۹، شبانه، مخفیانه و با نام ساختگی به خاک سپرده شدند. اما این راز خیلی زود بر ملا شد و از آن پس گور چائوشسکو مورد بازدید مردم قرار گرفته است. یکی از بازدید کنندگان که خانمی است که در نزدیکی گورستان سکونت دارد و هر روز به سر گور چائوشسکو می آید، به خبرنگار اومانیت گفت: «در زمان او زندگی بهتر بود و خیلی از حالا ارزان تر. این همه دزد و مالیات نبود. دوران حکومت کمونیست ها مخارج نگهداری خانه شامل شوفاژ و آب برق، چهاردرصد حقوق ما را شامل می شد. امروزه حقوق دویست فرانکی بازنشستگی من برای این مخارج کافی نیست.» گرچه تعداد کسانی که به سر قبر چائوشسکو می آیند و در برابرش سر تعظیم فرود می آورند کم اند، مع الوصف شمار آنها روز به روز افزون تر می شود. در عوض آنچه که کاملاً تازگی دارد ظاهر شدن تصویر چائوشسکو تقریباً در تمام تظاهراتی است که خصلت اجتماعی دارند.

در ۲۲ فوریه، در جریان تظاهرات ده هزار نفری در شهر «لازی» در مولداوی، در اعتراض به کاهش سطح زندگی، تظاهر کنندگان شعار «زننده باد چائوشسکو» را دم گرفته بودند. بر اساس نظر خواهی های مکرر، ۶۴ درصد مردم رومانی معتقدند که، در سال ۱۹۸۹ بهتر از حالا زندگی می کرده اند. یک سوم با اطمینان می گویند که، رهبران کمونیست از رهبران کنونی بهتر بودند و خواستار بازگشت حزب واحدند. امروز، حسرت دوران چائوشسکو به صورت جدی و وسیع مطرح گردیده و این در میان جامعه شناسان و کارشناسان سیاسی و مطبوعاتی تفسیرهای فراوانی را موجب شده است. مثلاً سر مقاله نویس روزنامه «زی اوآ» (روز می نویسد: «چائوشسکو بازگشت نکرده.

بازیدایی او بر روی پلاکاردها، در شعارها و در پیام ها نشان می دهد که او هرگز نرفته بود. زمانی چند او در پناهگاهی به سر می برد. در جایی ناپیدا در وجدان شهروندان رومانی پنهان شده بود. اکنون او خود را نشان می دهد، زیرا دور از تحقق یک انقلاب، ما نتوانستیم یک رفم واقعی را اجراء کنیم.» یا «آلن تئودروسکو» می گوید: این «حسرت زمان چائوشسکو نیست بلکه «مجموعه ایست از تلاش سمبولیک توده ها. یعنی این که اگر شما حقوق ما را زیاد نکنید، ما می توانیم شما را سرنگون کنیم.» بر اساس یک بررسی که توسط «برنامه سازمان ملل برای توسعه» انجام شده است، در حال حاضر نزدیک به ۳۴ درصد، یعنی هفت میلیون و ششصد هزار نفر، زیر فقر زندگی می کنند.

این رقم در سال ۱۹۹۵ بیست و پنج درصد بود. خانواده های زیادی در این زمستان وسایل گرم کردن خود را نخواهند داشت و پاره ای از بیمارستان ها بخاطر کمبود امکانات مالی در معرض تعطیلی اند. پیش بینی می شود که تولید ناخالص ملی، که در سال ۱۹۹۸ هفت درصد کاهش داشت، در سال جاری ۴ درصد دیگر نیز سقوط کند. رومانی برای خروج از بن بست، ایجاب «گروه بین المللی نظارت» مرکب از کمیسیون اروپا،

ادامه در صفحه ۵

## اعتراف خپیاننگاران

### میخائیل گارباچف: «هدف من در زندگی

### سرنگونی کمونیسم بود»

شگفت آور نیست، ولی با وجود این قابل توجه است، که آخرین رهبر اتحاد شوروی و دبیر اول حزب کمونیست شوروی، میخائیل گارباچف، با چه صراحتی قدم به پیش گذاشته و اعتراف می کند که، هدف سیاسی وی در هم شکستن کمونیسم بوده است. گارباچف، اخیراً طی سخنرانی که در دانشگاه آمریکایی آنکارا داشت، اظهار کرد: «هدف زندگی من در هم شکستن کمونیسم بود که یک دیکتاتوری درد آور برای مردم بود. این عقیده را همسر مرحوم در من تقویت کرده بود. بیش از همه مایل بودم این کار را زمانی انجام دهم که به بالاترین مقام رسیده باشم. زمانی که با غرب و ایده های آن آشنا شدم این عقیده در من قطعی و قوی تر شد که، من می باید راهم را از بقیه رهبران شوروی و حزب کمونیست جدا کنم، و هم چنین دیگر رهبران کشورهای سوسیالیستی را به این کار وادار کنم. ایده ال من راه سوسیال دموکراسی بود، اقتصاد برنامه ای جلو قدرت مردم را سد کرده بود و مردم نمی توانستند پیشرفت کنند. تنها قدرت بازار می تواند به پیشرفت مردم بیانجامد. من برای رسیدن به این هدف همکاری را پیدا کردم، در درجه اول یاکوف و شوارز نادزه، که سهم عمده ای در شکست کمونیسم داشتند. من یک آرزو داشتم که، شوروی در داخل مرزهای خود ولی با محتوی دموکراتیک، متوقف شود. من موفق نشدم، یلتسین با حالتی بیمارگونه به دنبال قدرت بود، هیچ اعتقادی به یک حکومت دموکراتیک نداشت. او اتحادیه کشورهای سوسیالیستی را منحل کرد و بدین وسیله باعث هرج و مرج و تمام ضعف ها گردید. روسیه بدون او کرائین، قزاقستان و کشورهای ناحیه قفقاز یک قدرت جهانی نبود و در نهایت سبب هرج و مرج می شود. این کشورها فاقد ایده اند در اینجا باید ایده های غرب، دموکراسی بازار و حقوق بشر حکم فرمایی کند. زمانی که یلتسین اتحاد شوروی را منحل کرد و من از کرملین بیرون انداخته شدم، صدها روزنامه نگار ادعا کردند که من گریه کردم، ولی من گریه نکردم، به دلیل این که من به هدف اصلی ام، در هم شکستن کمونیسم، دست یافته بودم.» گارباچف در ادامه سخنرانی خود، اظهار تاسف می کند که، در سال ۱۹۸۹ چنان موقعیتی برایش فراهم نشد که دانشجویان را در چین تشویق به ادامه تظاهراتشان کند. او اظهار داشت: «من در دوره تظاهرات دانشجویی در ۱۹۸۹ که می توانست باعث شکست کمونیسم در چین بشود، در پکن بودم. من می خواستم با دانشجویان در میدان دروازه صلح آسمانی صحبت کنم و به آنها بگویم به تظاهرات خود ادامه دهند و ما آنها را حمایت می کنیم و آنها نیاز به یک پرسترویکا در چین دارند، منتها رهبری چین این را نمی خواست و این سبب زیان عظیمی بود. چنانچه کمونیسم در چین سرنگون شده بود، مدتها قبل دنیا به صلح و عدالت دست یافته بود.»

تعجب آور نیست که گارباچف در حال حاضر از موهبت یک زندگی لوکس به عنوان مهمان در سمینارهای بین المللی حاضر شده و برای هر سخنرانی حدود نیم تا یک میلیون دلار دریافت می کند.

به نقل از نشریه سوئدی «پرولت»، شماره ۵۰، ۲۲ دسامبر ۱۹۹۹

## کمک های مالی رسیده

به یاد پسرش ۱۰۰ مارک

مادر رنج و زحمت

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

**NAMEH MARDOM-NO:575**

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

25 January 2000

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۳۲۴۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹ -

حساب بانکی ما:

نام  
IRAN e. V.  
شماره حساب  
790020580  
کد بانک  
10050000  
بانک  
Berliner Sparkasse





**انتخابات و مواضع نیروهای ملی-مذهبی**  
نیروهای ملی-مذهبی طی هفته گذشته در جلسات پرسش و پاسخ و سخنرانی به تشریح اوضاع سیاسی ایران پرداخته و به سوالات شرکت کنندگان جواب دادند. عصر آزادگان شنبه ۲۵ بهمن از قول رحیم زاده اسکویی، استاد دانشگاه نوشت: «باید از اصلاح طلبان حمایت کرد ولی نباید در دام توهم آنها گرفتار افتاد.» وی گفت: «ما چاره ای جز اصلاح انحصار طلبان و حمایت از اصلاح طلبان نداریم.» وی در مورد خاتمی معتقد است که او سبیل حداقل انتظار مردم است که حتی به این حداقل ها نیز نتوانسته است پاسخ دهد. دکتر پیمان در این جلسه در پاسخ به این پرسش که اگر این انتخابات به نفع محافظه کاران تمام شود، چه باید کرد؟ اظهار داشت: «برخی فکر می کنند که همه سرنوشت مملکت از دوم خرداد شروع شده و تا مجلس ششم نیز پایان می یابد و اگر مجلس ششم به دست محافظه کاران بیفتد کار تمام است و در صورتی که عکس اتفاق بیفتد، ایران بهشت برین می شود، در حالی که من چنین اعتقادی ندارم، چرا که ما هنوز راه درازی در پیش داریم.»

در یک جلسه دیگر که روزنامه آزادگان سه شنبه ۵ بهمن آن را نقل کرده، دکتر پیمان در پاسخ به این پرسش که آیا مجلس ششم می تواند تاثیر بزرگی بر سرنوشت اصلاحات بگذارد، گفت: «ما روی مجلس ششم حساب نمی کنیم که بتواند نقش چندان موثری در جامعه داشته باشد. مطمئناً نیروهای ضد اصلاحات در ساخت قدرت امتیازات بسیار زیادی را به دست آورده اند و متأسفانه هنوز در جامعه، آن جنبشی وجود ندارد که بتواند نیروی مردم را متبلور و حاکمیت را مجبور به پذیرش خواسته مردم کند.» سید مهدی غنی در همین جلسه در مورد رفسنجانی گفت: «آقای هاشمی یک عملکردی داشته است و نقش ایشان در دوران پس از انقلاب چیزی نیست که بتوان نادیده گرفت. در دوره ریاست جمهوری ایشان اسقراض خارجی گسترده ای صورت گرفت و برخی نارسایی های برجای مانده از همین دوره است. بنابراین هاشمی از کسانی است که باید به سوالات اساسی پاسخ بگوید.»

**هادی غفاری و خواست مردم**

به گزارش نشریه «ایران فردا»، شماره ۶۷، هادی غفاری در ضمن یک مصاحبه مطبوعاتی پیرامون سابقه جناح چپ اظهار داشت: «ما با مردم با زبان استبداد سخن می گفتیم.» وی در ادامه همین مصاحبه همچنین افزود: «کل جناح چپ در آن زمان دافعه اش بیشتر از جاذبه اش بود.» غفاری در پاسخ به سئوالی پیرامون رشد

**گزیده ها**

«...از نظر اجتماعی، حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی ایران بود که مبارزه در راه حقوق کارگران و زحمتکشان، و تحول بنیادین جامعه ای را که اسیر روابط و بندهای فئودالی - سرمایه داری بود در سرلوحه برنامه های خود قرار داد، و طرح هائی مترقی چون قانون کار در دفاع از حقوق کارگران، ایجاد بیمه های اجتماعی، به رسمیت شناختن اتحادیه ها، حق اعتصاب، تساوی دستمزد کارگران زن و مرد، ایجاد تحول بنیادین در روابط غیر عادلانه روستاهای کشور از طریق اجرای اصلاحات ارضی، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای زنان، تأمین شرایط دست یابی زنان به استقلال اقتصادی و اصلاحات بنیادین در امور آموزش و بهداشت کشور را در جهت تأمین منافع اکثریت مردم، پیشنهاد کرد و آنچه آن نیرویی در جامعه برای تغییر و تحول ایجاد کرد که توانست تأثیرات شگرفی در کشور ما بجای گذارد. حزب توده ایران، فعالانه در جهت پیروزی انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی بهمن ۱۳۵۷، رزمید و در سنگرهای انقلاب، در کنار دیگر نیروهای مردمی، توانست نقش قابل توجهی در پیروزی انقلاب بهمن ایفا، کند. شمارهای مردمی حزب ما، از جمله اجرای اصلاحات ارضی، ملی کردن تجارت خارجی، تنظیم و تصویب قانون کار انقلابی، و غیره، تأثیر منموی عظیمی در جامعه ما برجای گذاشت، که اثرات آن تا امروز همچنان پابرجاست.»

**از برنامه حزب توده ایران، مصوب چهارمین کنگره حزب**



ضمیمه ۵۷۵، دوره هشتم  
سال شانزدهم، ۱۲ بهمن ماه ۱۳۷۸

**انتخابات مجلس ششم و توطئه های روز افزون مدافعان «ذوب در ولایت»**

هفته نامه ارگان خود طراحی واقعی برای بحران سازی و اغتشاش را ارائه کرده است. بر اساس این تحلیل اگر رأی مردم ترکیب مجلس آینده را به نفع طرفداران قانون گرایی و مردم سالاری تغییر دهد: «حزب الله باید بکوشد آن را به مجلس ختم جریان های ضد انقلاب و ... تبدیل کند» برای این کار طرحی در مورد تشکیل «دادگاه ویژه مجلس» تهیه شده و مقدمات طرح آن در مجلس نیز در حال شکل گیری است. اما هدف دیگر این گونه سناریو ها، که به روشنی به مردم می گوید با آنچه ما می خواهیم رأی دهید یا شاهد «مجلس ختم» نمایندگان دلخواه خود باشید، این است که مردم را از مشارکت در انتخابات دلسرد کند... (صبح امروز)، ۱۰ بهمن ۱۳۷۸). درباره همین دور جدید توطئه نیروهای ارتجاعی و واپسگرا، روزنامه «آفتاب امروز» نیز قبلاً خبر داده بود که فلاحیان، سازمان ده کشتار صدها مبارز راه آزادی و دگراندیشان و فیروز اصلی، عضو حقوق دان روزنامه کیهان، که هر دو نامزد انتخابات مجلس هستند، در جلسه بی در سالن اجتماعات کتابخانه امیر المومنین، پیرامون «دغدغه مقام رهبری در مورد سایل فرهنگی، پشت صحنه مطبوعات و مجلس ششم و ضرورت مقابله با این آفات» سخنرانی کردند.

روزنامه جمهوری اسلامی، ارگان دفتر سید علی خامنه ای نیز در مقاله بی مدعی شد که آمریکا به نتایج انتخابات مجلس چشم دوخته و دنبال ایجاد «سرپل» برای خود در ایران هستند. رحیم صفوی سرپاسدار انصار «ولی فقیه» نیز در نشست مریبان و مسئولان عقیدتی سیاسی بسیج ضمن تکرار همین ادعاها از جمله گفت: «ایجاد بحران

با نزدیک تر شدن موعد برگزاری انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی، و با جدی تر شدن احتمال شکست سنگین جناح «ولی فقیه» و انصارش، توطئه های نیروهای ارتجاعی و مدافع استبداد برای حفظ منافع خود ابعاد گسترده و گوناگونی به خود می گیرد. حذف صداها تن از شخصیت ها و نیروهای مستقل و دگر اندیش، که بخش مهمی از نامزدهای انتخابات مجلس را تشکیل می دادند، در کنار تشدید فعالیت گروه های فشار و چماق داری برای دامن زدن به جو اختناق و ارباب، و در روزهای اخیر تدارک توطئه بی تازه برای خاموش کردن صدای مطبوعات منتقد از انحصار طلبان حاکم همه اخبار بسیار نگران کننده بی است که حاکی از اوضاع بسیار پرتنش و حساس میهن ماست. روزنامه های مدافع ائتلاف «جبهه دوم خرداد» یورش سازمان یافته گروه های ارتجاعی و بلند گویای تبلیغاتی آنها را «بحران سازی» جدید در آستانه انتخابات دانستند و نسبت به پیامدهای جدی آنان هشدار دادند.

مصباح یزدی، سخنگوی ارتجاع و واپسگرایی، در نماز جمعه تهران ضمن طرح ادعای نفوذ «عوامل خارجی» در «بالاترین سطح سیاستگذاری کشور»، همچنین مدعی شد که رئیس سابق سازمان جاسوسی آمریکا با یک چمدان پول به ایران آمده است. روزنامه «صبح امروز» در مقاله بی در همین زمینه نوشت: «طرح مساله نفوذ عوامل دولت های خارجی در «بالاترین سطح سیاستگذاری» در سخنرانی های عمومی نیز بسیار با اهمیت است. اما سناریوی بحران سازی جدید یک مبنای مهم تر دارد. بخش افراطی جناح راست با ارائه تحلیل در

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

## برنامه انتخابات ...

هویت و استحاله فرهنگی، مخدوش کردن چهره نظام، تنبیر گام به گام ارزش ها و باورهای مردم و نفوذ در مراکز علمی و فرهنگی را باید جزئی از استراتژی دشمن علیه جمهوری اسلامی دانست ... باید کسانی را که نفوذ در سیاستگذاری و پیاده کردن طرح های آمریکا را در کشور ما دنبال می کنند رسوا کنیم...» (روزنامه کیهان، ۴ بهمن ۷۸). بدین ترتیب روشن است که نیروهای ارتجاعی، همچون روند انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ۷۶، با استفاده از همه اهرم های قدرت و توان تبلیغاتی، جنگ روانی همه جانبه بی را برای شکست جنبش و حفظ مجلس ضد مردمی به راه انداخته اند. ولی همچنان که انتخابات دوم خرداد ۷۶ نشان داد توده های مردم میهن ما آگاهی و هوشیاری مقابله با این توطئه ها را دارند. مبارزه وسیع توده ها در دفاع از مطبوعات، سازمان دهی اعتراض های وسیع سرتاسری نسبت به رد صلاحیت صدها تن از نامزدهای مستقل، ملی و مذهبی دگراندیش، و دفاع از حقوق این نامزدها، فشار بر دولت خاتمی، برای اعتراض به بی قانونی های شورای نگهبان، شرکت وسیع در انتخابات به منظور شکست نامزدهای مدافع «ولایت فقیه»، ارتجاع و استبداد و با شکست مواجه کردن فریبکاری همچون رفسنجانی است که هدفی جز ضربه زدن به حرکت اصلاح طلبانه مردم ندارند، از جمله وظایف مهم و درنگ ناپذیری است که جنبش خلق های میهن ما در اوضاع حساس کنونی پیش رو دارد.

## ادامه رویدادهای ایران

اندیشه جدایی دین از حکومت اظهار داشت: «ما حرفمان را می زنیم، ولی اگر مردم بخواهند که دین از سیاست جدا باشد، ما چه کاره هستیم که برای آنها تعیین تکلیف کنیم.»

## دعوت دفتر تحکیم وحدت

## از رفسنجانی جهت پاسخ گویی

به دنبال سخنان هاشمی رفسنجانی علیه نیروهای ضد ولایت فقیه در نماز جمعه تهران، دفتر تحکیم وحدت طی نامه سرگشاده ای که در روزنامه صبح امروز ۶ بهمن به چاپ رسیده است، ضمن اشاره به امتیازات انتخاباتی که به او داده شده، از جمله مستثنی کردن از استعفا، استفاده از صدا و سیما به عنوان مجری تبلیغاتی، مصاحبه های آراسته شده با روزنامه ها، نسبت به سخنان او در نماز جمعه تهران اعتراض کرده است. دفتر تحکیم وحدت در قسمتی از این نامه خطاب به رفسنجانی می نویسد: «سخنان شما در خطبه های نماز جمعه تهران که با عصبیت کم نظیر منتقدان و مخالفان را نشانه گرفته بود مشمول ایراداتی بسیار جدی است که مهم ترین آنها پیش فرضی است که سایر حملات و انتقادات شما بر آن تکیه دارد و آن چیزی نیست جز اینکه «انقلاب یعنی هاشمی.»

در این نامه، دفتر تحکیم وحدت با رد نکردن نقش هاشمی رفسنجانی در تحولات سیاسی میهن ما، با این نظریه که هرگونه انتقاد و مخالفتی، از طرف رفسنجانی به مثابه سست کردن انقلاب و نظام تلقی گردیده، به شدت مخالفت کرده است و از رفسنجانی دعوت کرده در هر یک از دانشگاه های تهران که مایل می باشد حضور یابد و به انبوه سوالات جوانان و دانشجویان پاسخ دهد. رفسنجانی با ترتیب دادن مصاحبه های به قول دفتر تحکیم وحدت آراسته شده گوناگون در هفته های اخیر سعی بسیار دارد چهره ریاکار خود را نزد مردم پنهان کند. رشد و گسترش جنبش مردمی افرادی همچون رفسنجانی را مجبور می سازد تا نسبت به تحولات سیاسی عکس العمل نشان داده و همین امر چهره واقعی آنان را آشکار می سازد:

## دعوت به سرکوب از طرف مصباح یزدی

مدافعان ذوب در ولایت در صدد هستند با زمینه سازی یورش به مطبوعات را گسترش دهند. مصباح یزدی نظریه پرداز سرکوب و کشتار رژیم ولایت فقیه، طی سخنرانی در هفته گذشته ادعا کرد فردی به عنوان توریست وارد کشور شده و دلراهی را در اختیار چند مسئول نشریه و روزنامه قرار داده است. وی با اشاره به بودجه ۲۰ میلیون دلاری آمریکا برضد ایران مدعی شد صدها میلیون دلار به عوامل فرهنگی و روزنامه نگارها نیز داده شده است. مصباح یزدی که سخنانش در عصر آزادگان پنجشنبه ۷ آبان به چاپ رسیده است در این باره ادامه داد: «ما باید هوشیار باشیم و بدانیم آن چیزی که می تواند جلوی این کارها را بگیرد غیرت دینی است که می خواهند با ترویج فرهنگ تساهل و تسامح یعنی بی غیرتی آن را از بین ببرند.» غیرت دینی کلمه ای است که به جای قتل، کشتار، اعدام، شکنجه، ضرب و شتم و سر به نیست کردن استفاده می شود. وی ضمن اعلام حمایت آشکار از خشونت گفت: «فردا روزنامه ها نویسند فلانی در آستانه انتخابات ترویج به خشونت کرده، در جامه چند صدایی، ما هم باید صدایمان را برسائیم.» و در ادامه با قانونی خواندن عمل خشونت گفت: «این عمل با قانون مداری منافاتی ندارد، سپاهی و غیر سپاهی همه موظفیم.» مصباح یزدی با دفاع از ولایت فقیه و دعوت از پاسداران برای سرکوب اظهار

داشت: «دفاع از مسئله ولایت فقیه حیاتی است و تنها با حرکت های نمایشی و تظاهرات و شمار کارساز نیست. یک حرکت فرهنگی و مستمر باید با شبهات مقابله و این بیماری را علاج کند و بهترین کسی که می تواند این نقش را ایفا کند شما پاسداران هستید.» وی ضمن رد اقدامات شماری و تظاهرات برای مقابله با جنبش مردمی گفت: «اگر سهل انگاری کرده و خیال کنیم که با شمار و تظاهرات می توان فعالیت های فرهنگی دشمن مقابله کرد این راه اشتباهی است.» به عبارتی دیگر در شرایط کنونی اقداماتی عملی نظیر ترور، زندان، شکنجه، اعترافات تلویزیونی و اعدام دگر اندیشان تنها راه حفظ رژیم ولایت فقیه است.

## تهاجم فرهنگی، پیش زمینه ای برای سرکوب در آینده

سید علی خامنه ای ولی فقیه رژیم اسلامی، هفته گذشته در یک سخنرانی که روزنامه کیهان ۶ بهمن آن را به چاپ رسانده است، با استناد به بعضی منابع اسلامی به تشریح حکومت اسلامی و بزرگ کردن تئوری قرون وسطایی ولایت فقیه پرداخت. خامنه ای ضمن اشاره به حوادث انقلاب مشروطیت علت شکست آن را مطرح نبودن حاکمیت اسلام دانست. خامنه ای در تشریح حاکمیت اسلامی اظهار داشت: «حکومت اسلامی به معنای حکومت مسلمین نیست به معنای حکومت اسلام است.» به عبارتی خیلی واضح تر مردم نباید در آن نقش تعیین کننده داشته باشند. خامنه ای سپس با استناد به تفکرات خمینی در این باره اظهار داشت: «ساختار خاص ایشان برای حاکمیت اسلام، ولایت فقیه بود که مبنای بسیار مستحکم دارد.»

خامنه ای ادعا کرد که ولایت فقیه جز، واضحات فقه اسلام است و در ادامه با اشاره به مخالفت هایی که با ولایت فقیه می شود و در تشریح حاکمیت دینی گفت: «آنها با کسی که اسم مسلمان داشته باشد و در جایی حکومت کند مخالفت نمی کنند آنچه برای آنان مهم است، این است که دین متولی اداره جامعه بشود و حرف جدیدی در دنیا مطرح گردد لذا باید به این نکته توجه کنید که حکومت اسلامی به معنای حاکمیت اسلام، دین و شریعت است و این معنی باید خوب فهمیده شود.»

خامنه ای با ذکر این نکته که حکومت اسلامی یک نوآوری در دنیا بود به دفاع از حکومت یک فرد بر تمامی اقشار جامعه پرداخت و تنها شرطی که شخص را بر این سند می نشانند را مسئله عدم تخلف ذکر کرد. وی سپس مسئله خطر سلطه فرهنگی را یادآور شد و اعلام اینکه حکومت اسلامی در جریان تکامل دچار نقص ها و کج فهمی هایی می شود خواستار آن شد که در جریان آن چیزی که او نوآوری نامیدش تلقین پذیری از فرهنگ غربی نقش نداشته باشد. وی با اشاره به دموکراسی غربی و لیبرالیسم و عدم کپی برداری از آنها گفت: «ممکن است در باطن و ذات ولایت فقیه چیزهایی از این قبیل وجود داشته باشد که در این صورت باید آن را کشف کنیم ولی نباید چیزی از بیرون القا و تحمیل شود.»

لازم به توضیح است مدافعان ذوب در ولایت بر طبق یک برنامه ریزی حساب شده در صدد هستند با عنوان مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانه و دفاع از ارزش های اسلامی به سرکوب جنبش مردمی بپردازند. چنین سخنرانی هایی را باید پیش زمینه چنین برنامه هایی در آینده دانست.

لطفا در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

Supplement to Nameh Mardom-NO 575  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

1 February 2000

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۲۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام  
IRAN e. V.  
شماره حساب  
790020580  
کد بانک  
10050000  
بانک  
Berliner Sparkasse